دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه
وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ
إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَامَ قَائِماً ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ وَ يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَ يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلِحِّينَ عَلَيْهِ.
وَ يَا مَنْ لَا يَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ وَ يَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتْحَفُ بِهِ، وَ يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ. وَ يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي بِالْجَلِيلِ وَ يَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ. وَ يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ. وَ يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ، وَ لَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ. وَ يَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُنْمِيَهَا، وَ يَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعَفِّيَهَا. انْصَرَفَتِ الْآمَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ، وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطَّلِبَاتِ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتُ، فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَى فَوْقَ كُلِّ عَالٍ، وَ الْجَلَالُ الْأَمْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ. كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ، وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ، خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَ ضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ، وَ أَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَ إِغَاثَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ. لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْآمِلُونَ، وَ لَا يَيْأَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ، وَ لا يَشْقَى بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ. رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاتُكَ عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَّهُمْ إِمْهَالُكَ عَنِ النُّزُوعِ. وَ إِنَّمَا تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفِيئُوا إِلَى أَمْرِكَ، وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلْتَهُ لَهَا.
كُلُّهُمْ صَائِرُونَ، إِلَى حُكْمِكَ، وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَى أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنْ عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مُعَاجَلَتِهِمْ بُرْهَانُكَ.
حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ، وَ الْخَيْبَةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنِ اغْتَرَّ بِكَ. مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ الْمَخْرَجِ!! عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَ

إِنْصَافاً مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ. فَقَدْ ظَاهَرْتَ الْحُجَجَ، وَ أَبْلَيْتَ الْأَعْذَارَ، وَ قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ، وَ تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ، وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ، وَ أَطَلْتَ الْإِمْهَالَ، وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلمُعَاجَلَةِ، وَ تَأَنَّيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيءٌ بِالْمُبَادَرَةِ لَمْ تَكُنْ أَنَاتُكَ عَجْزاً، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَهْناً، وَ لَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغَ، وَ كَرَمُكَ أَكْمَلَ، وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ، كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَزَلْ، وَ هُوَ كَائِنٌ وَ لَا تَزَالُ. حُجَّتُكَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا، وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقَلِّهِ وَ قَدْ قَصَّرَ بِيَ السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَ فَهَّهَنِيَ الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ، وَ قُصَارَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا رَغْبَةً- يَا إِلَهِي- بَلْ عَجْزاً. فَهَا أَنَا ذَا أَؤُمُّكَ بِالْوِفَادَةِ، وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ الرِّفَادَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي، وَ لَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي، وَ لَا تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي، وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي، إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ، وَ لَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

دعای چهل و ششم از دعاهای امام علیه السّلام است در روز فطر (اوّل ماه شوّال) و در روز جمعه

هنگامیکه نماز آن را بجا میآورد رو بقبله میایستاد و میگفت: [1 ای آنکه رحم میکند کسی را که بندگان باو رحم نمیکنند (زیرا رحمت و مهربانی خداوند متعال از قبیل آفریدن، روزی دادن، سود رساندن و جلوگیری از ضرر و زیان بی علّت و غرضی همه موجودات را فرا خواهد گرفت، و رحمت بندگان یکدیگر را از روی علّت و غرضی است مانند پاداش خواستن و ستودن بر آن، پس هر گاه علّت و غرضی نباشد رحمت و مهربانی نخواهد بود، از این رو خداوند رحم میکند کسی را که بندگان باو رحم نمیکنند، و گفتهاند: از جمله کمال رحمت او پوشاندن عیوب و زشتیهای تو است، و او عیوبی از تو میداند که اگر آن را پدرت میدانست از تو جدائی مینمود، و اگر همبسترت میدانست با تو زندگی نمیکرد، و اگر خدمتکارت میدانست میگریخت، و اگر همسایهات میدانست در ویران ساختن خانهات میکوشید، پس کدام رحمت و مهربانی کاملتر از رحمت خداوند سبحان است)-] [2 و ای آنکه میپذیرد کسی را که اهل شهرها او را نمیپذیرند-] [3 و ای آنکه نیازمندانش را خوار نمیگرداند-] [4 و ای آنکه اصرار کنندگان خود (کسانیکه پیوسته از او حاجت میطلبند) را نومید نمیسازد-] [5 و ای آنکه دست ردّ و منع بر پیشانی کسانیکه بمحبّت و دوستی او اعتماد دارند و بر او افراط و تجاوز از حدّ مینمایند نمیزند-] [6 و ای آنکه چیز خردی را که باو ارمغان دهند (عمل کوچکی را که باو اختصاص دهند) میپذیرد، و اندك چیزی (کاری) را که برای او انجام دهند جزا میدهد-] [7 و ای آنکه عمل کم را میپذیرد و پاداش بزرگ میدهد-] [8 و ای آنکه نزدیك میشود (احسان و نیکی مینماید) بکسیکه باو نزدیك شود (عبادت و بندگی کند)-] [9 و ای آنکه بسوی خود میخواند (بتوبه و بازگشت امر میفرماید) کسی را که از او رو بر گرداند (معصیت و نافرمانی کند)-] [10 و ای آنکه نعمت و بخشش را (بزرگ باشد یا کوچك) تغییر نمیدهد (نیست و نابود نمیگرداند، و بعذاب و کیفر

تبدیل نمینماید، اشاره بقول خدای تعالی «س 13 ی 11»: إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ «خدا نعمت قوم و گروهی را دگرگون نمیسازد تا اینکه نیکیشان را ببدی تبدیل نماید» و در واقع تغییر نعمت ایشان از جانب خداوند سبحان نیست تا گفته شود بین عبارت دعاء: یا من لا یغیّر النّعمة و آیه شریفه منافات دارد، بلکه تغییر نعمت بسبب بدی آنان است پس گوئیا ایشان تغییر دهنده نعمت هستند) و بکیفر رساندن (گنهکاران) شتاب نمیکند (بلکه از راه لطف و احسان آنها را مهلت میدهد تا از معصیت و گناه توبه نمایند)-] [11 و ای آنکه نیکی را ببار میآورد تا آن را بیافزاید (دارای ثمره و سود گرداند) و از بدی در میگذرد تا آن را ناپدید کند (ببخشد)-] [12 آرزوها پیش از رسیدن بمنتهی و پایان جود و بخشش تو با (روا شدن) خواسته‌ها برگشتند (زیرا غایت و منتهی برای کرم و جود تو نیست) و جامهای حاجات و خواسته‌ها بجریان و روان شدن جود و بخشش تو پر شد، و اوصاف پیش از رسیدن به (کنه و حقیقت) وصف تو از هم گسیختند (ناتوان گشته مانده‌اند) زیرا بلندترین بلندی بر بالای هر بلندی، و بزرگترین بزرگی بر بالای هر بزرگی بس تو را است (نه غیر تو را)-] [13 هر بزرگی در برابر تو خرد، و هر ارجمندی در کنار ارجمندیت خوار است (هر چند نسبت بدیگری بزرگ و ارجمند باشد، زیرا هر موجودی در تحت قدرت و توانائی و مشیّت و خواست تو است) آنانکه بسوی غیر تو آمدند نومید گشتند، و آنانکه جز تو را درخواست نمودند زیان کردند، و آنانکه بدرگاه جز تو فرود آمدند تباه شدند، و نعمت خواهان جز کسیکه از فضل و احسان تو نعمت خواست دچار خشکسالی (بدبختی و گرفتاری) گردیدند-] [14 در (رحمت) تو بروی آنانکه خواهانند باز است، و بخشش تو برای درخواست کنندگان مباح و روا است (ممنوع و باز داشته نشده) و فریادرسیت بفریادرس خواهان نزدیك است-] [15 امیدواران از تو محروم نمیمانند، و درخواست کنندگان عطاء و بخششت نومید نمیگردند، و آمرزش خواهان بعذاب و کیفرت بدبخت نمیشوند (اشاره بقول خدای تعالی «س 8 ی 33»: وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ، وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ یعنی و خدا ایشان را عذاب نخواهد کرد در حالیکه تو در میان ایشان

باشى، و هم آنان را بكيفر نميرساند در حاليكه استغفار نموده آمرزش ميطلبند)-] [16 روزى تو براى كسيكه معصيت و نافرمانيت كرده گسترده (از جهت اظهار كمال كرم و بخششت او را هم فرا گرفته) و حلم و بردباريت (شتاب نكردن در انتقام و بكيفر رساندن) براى آنكه با تو دشمنى نموده (فرمانت نبرده) رو آورنده است (زيرا) عادت و روش تو ببدكاران احسان و نيكى است، و طريقه (حكمت) تو بر تجاوز كنندگان از حدّ رحمت و مهربانى است (اين سخن با قول خداى تعالى «س 2 ى 190»:
إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ يعنى خدا تجاوز كنندگان از حدّ «ستمكاران» را دوست ندارد «رحمت او ايشان را فرا نخواهد گرفت» منافات ندارد، زيرا رحمت او بر ايشان از جهت اقتضاء ذات او است، و دوست نداشتنش آنها را از جهت اقتضاء از حدّ تجاوز نمودن آنان است) تا اينكه مهلت دادن تو ايشان را از بازگشت (از باطل بسوى حقّ) مغرور ساخته و فريب داده، و شتاب نكردن تو (در كيفر) آنها را از باز ايستادن (بجا نياوردن گناه) باز داشته-] [17 و (ايشان غفلت دارند از) اينكه آنان را مهلت دادهاى براى آنست كه بفرمان تو باز گردند، و اينكه درباره (كيفر) آنها شتاب ننمودى از جهت اعتماد بدوام و هميشگى ملك و پادشاهى خود ميباشد (چون كسى عجله و شتاب مينمايد كه از گذشتن وقت بترسد، ولى كسيكه بر قدرت و تسلّط خويش بر هر كه بخواهد و هر وقت كه بخواهد اعتماد داشته باشد سببى براى عجله و شتاب او نيست) پس هر كه سزاوار نيكبختى بوده خاتمه و پايان كارش را نيكبخت گردانيدى، و هر كه شايسته بدبختى بوده او را از جهت بدبختى خوار ساختى (كمك و يارى نكرده بخود وا گذاشتى)-] [18 همه ايشان (نيكبختان و بدبختان) بحكم تو ميرسند، و گفتار و كردارشان بفرمان تو باز ميگردد (بازگشت همه بسوى تو است، و تو درباره ايشان بپاداش و كيفر و گذشت حكم كرده فرمان خواهى داد، چنانكه در قرآن كريم «س 6 ى 60» فرموده: ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ يعنى پس بازگشت شما «بعد از مرگ» بسوى او است، سپس «در روز قيامت» شما را بآنچه بجا ميآوريد آگاه ميسازد) و طول مدّت (مهلت دادن توبه) ايشان حجّت و دليل تو را (در انتقام بر آنها) سست

نساخته (چنانكه جز تو هر كه را بر ديگرى حجّتى باشد و بوسيله آن در گرفتن حق خود شتاب ننمايد تا آنكه بطول انجامد حجّتش سست و از گرفتن حقّ خود ناتوان گردد) و از جهت شتاب نكردن در (باره باز خواست از) اينان دليل آشكار تو (در باره عذاب آنان) باطل و نادرست نشده (باينكه گفته شود: اگر خداى تعالى را بر آنها حجّت و دليلى بود مهلتشان نميداد)-] [19 حجّت و دليل تو پابر جا است كه باطل نميشود، و سلطنت و پادشاهيت ثابت و هميشگى است كه نيست نميگردد، پس عذاب هميشگى كسى را است كه از تو برگشته، و نوميدى خوار كننده كسى را است كه از تو نوميد گرديده، و بدبختترين بدبختى براى كسى است كه به (كرم و بخشش) تو مغرور و فريفته و (بر معصيت و نافرمانيت) جرات نموده دلير شود (زيرا كريم هر گاه بكسى بى‌عوض و غرضى نعمت داد و او را بچيزى امر نمود و او معصيت و نافرمانيش كرد و شكر نعمتش را بجا نياورد لازمه كرمش چشم پوشى از گناه او نميباشد)-] [20 چه بسيار است پى در پى بازگشت او (آن مغرور بكرمت) در شكنجه تو، و چه طولانى است سرگردانيش در كيفر تو، و چه دور است پايان غم و اندوهش، و چه نوميد است از رهائى يافتن بآسانى!! (همه اين گرفتاريهاى او) از روى عدل در حكم تو است كه در آن ظلم نميكنى، و از روى انصاف و دادگرى در فرمان تو است كه بر او ستم نمينمائى-] [21 براى آنكه حجّتها و دليلهايت را پى در پى و بكمك يكديگر گردانيده‌اى، و دليلها را بيان كرده آشكار ساخته‌اى، و تهديد و ترساندن (از عذاب خود) را اعلام نموده‌اى، و در ترغيب و خواهان نمودن (بپاداش) لطف و نيكوئى بجا آورده‌اى، و (در قرآن كريم) مثلها زده و داستانها بيان فرموده‌اى، و مهلت دادن را طولانى كرده، و (كيفر را) بتأخير انداخته‌اى در حاليكه تو بر شتاب كردن توانائى، و شتاب نكردى و تو بشتاب نمودن قادرى-] [22 مكث و درنگ نمودن تو نه از روى ناتوانى است، و مهلت دادنت نه از روى سستى است، و خود داريت نه از روى بيخبرى است و بتأخير انداختنت نه از روى ملاطفت و خوشرفتارى است (كه از ترس شرّ كسى كه او را مهلت داده‌اى باشد) بلكه براى آنست كه حجّت تو رساتر و كرم و بخشش تو كاملتر و نيكى تو فراوانتر و

نعمت تو تمامتر باشد، و همه آنچه گفته شد (جمله بیست و یکم تا اینجا) بوده و همیشه بوده و هست و همیشه خواهد بود-] [23 حجّت و دلیل تو بزرگتر از آنست که بهمه (وصف) آن وصف شود (حجّت تو منزّه است از اینکه مخلوق و آفریده‌ای بر احاطه بوصف آن توانائی داشته باشد) و بزرگی تو بالاتر از آنست که کنه و حقیقت آن بحدّی در آید (پایانی برای آن تعیین گردد) و نعمت تو افزونتر از آنست که همه آن شمرده شود، و نیکی تو بیشتر از آنست که بر کمتر آن سپاس گزارده شوی-] [24 و خاموشی مرا از سپاسگزاردن تو ناتوان ساخته، و خودداری مرا از بزرگ داشتن تو درمانده کرده (من از سپاسگزاردن و بزرگ داشتن تو ناتوان و درمانده‌ام از این رو خاموش گشته و خودداری مینمایم، پس گوئیا خاموشی و خودداری مرا ناتوان و درمانده نموده است) و نهایت کوشش من (در سپاسگزاری) اعتراف بدرماندگی است، نه از روی بی رغبتی و دوری گزیدن از سپاسگزاری- ای خدای من- بلکه از روی عجز و ناتوانی است-] [25 پس (چون حال چنین است) اینك منم که آمدن بدرگاه تو را قصد میکنم، و عطا و بخشش نیکو از تو میخواهم، پس بر محمّد و آل او درود فرست،و رازم را بشنو، و دعاء و درخواستم را روا ساز، و روزم را بنومیدی بپایان مرسان، و در خواهشم دست ردّ و منع بر پیشانیم مزن (مرا نومید مگردان) و رفتنم را از نزد خود و بازگشتنم را بسویت گرامی دار، زیرا تو بآنچه بخواهی گرفتار سختی نمیشوی، و از آنچه از تو خواسته شود ناتوان نیستی، و تو بر هر چیز توانائی، و انتقال (از معاصی) و توانائی (بر طاعت برای ما) نیست جز بیاری خدای بلند مرتبه بزرگ (که خردها از درك حقیقت ذات او فرو میمانند).-
[

دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ:

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاغِبُ وَ الرَّاهِبُ وَ أَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ هَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، بَدِيعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ: مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَرَكَةٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْراً مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْ تُوَفِّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ. وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَ أَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لَهُمْ، إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي، وَ بِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي وَ مَسْكَنَتِي، وَ إِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي، وَ لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَ تَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ غِنَاكَ عَنِّي، فَإِنِّي لَمْ أُصِبْ خَيْراً قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي سُوءاً قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَ لَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ.

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَ تَعَبَّأَ وَ أَعَدَّ وَ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ طَلَبَ نَيْلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَ رِفْدِكَ وَ طَلَبَ نَيْلِكَ وَ جَائِزَتِكَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يُحْفِيهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ سَلَامُكَ.

أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالْجُرْمِ وَ الْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ. فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَ عَفْوُهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَ تَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَ تَوَسَّعْ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعَ أُمَنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدِ ابْتَزُّوهَا، وَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالَبُ أَمْرُكَ، وَ لَا يُجَاوَزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِك كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ، وَ لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مُتَّهَمٍ عَلَى خَلْقِكَ وَ لَا لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِّينَ، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مَنْبُوذاً، وَ فَرَائِضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَتْرُوكَةً. اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ عَجِّلِ الْفَرَجَ وَ الرَّوْحَ وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمْكِينَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ. اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ التَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَ لَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَ لا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَ لَا يُنْجِينِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ هَبْ لَنَا- يَا إِلَهِي- مِنْ لَدُنْكَ فَرَجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ مَيْتَ الْبِلَادِ. وَ لَا تُهْلِكْنِي- يَا إِلَهِي- غَمّاً حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَ أَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَ إِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِينُنِي، وَ إِنْ أَهَنْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي، وَ إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي، وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْت أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَ لَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَ إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَ إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَ قَدْ تَعَالَيْتَ- يَا إِلَهِي- عَنْ ذَلِكَ عُلُوّاً كَبِيراً. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضاً، وَ لَا لِنَقِمَتِكَ نَصَباً، وَ

مَهِّلْنِي، وَ نَفِّسْنِي، وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَ لاَ تَبْتَلِيَنِّي بِبَلاَءٍ عَلَى أَثَرِ بَلاَءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ. أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِذْنِي. وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجِرْنِي وَ أَسْأَلُكَ أَمْناً مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ آمِنِّي. وَ أَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اهْدِنِي وَ أَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ انْصُرْنِي. وَ أَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْحَمْنِي وَ أَسْتَكْفِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنِي وَ أَسْتَرْزِقُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنِي وَ أَسْتَعِينُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعِنِّي. وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي. وَ أَسْتَعْصِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اعْصِمْنِي، فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ.

يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلاَلِ وَ الْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ، وَ أَرِدْهُ وَ قَدِّرْهُ وَ اقْضِهِ وَ أَمْضِهِ، وَ خِرْ لِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ، وَ بَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَ أَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعَةِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَ صِلْ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَكَ، وَ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلاَمُ.

دعای چهل و هشتم از دعاهای امام علیه السلام است روز اضحی و روز جمعه

(دهم ذی الحجة که روز عید و شادی است، و اینکه آن روز اضحی نامیده شده برای آنست که حاجیان در آن روز گوسفندان را ذبح مینمایند، و اضحی جمع اضحاة است و آن گوسفندی است که در بامداد آن روز پس از برآمدگی آفتاب سرش را میبرند) و روز جمعه (آدینه، و اینکه آن روز را جمعه نامیدند برای اجتماع و گرد آمدن مردم است در آن): [1 بار خدایا این روز (بر اثر بسیاری ثواب و پاداش و روا شدن خواسته‌ها روز) ی است با برکت و نیکوئی و با یمن و شگون، و مسلمانان در اطراف زمین تو در آن (برای عبادت و بندگی) اجتماع نموده‌اند، درخواست کننده (آمرزش) و طلب کننده (نعمت) و خواهنده (پاداش) و ترسنده ایشان (از عذاب، در مساجد و معابد و جایگاههای پرستش تو) حاضر میشوند، و بینای در حاجتها و خواسته‌های آنان توئی، پس بسبب بخشش و نیکیت و آسان بودن بر تو آنچه را که میخواهم، از تو درخواست میکنم که بر محمد و آل او درود فرستی-] [2 و بار خدایا پروردگار ما تو را است تسلط و پادشاهی (حقیقی، چون مبدء و پدید آورنده هر چیز توئی، و پادشاهی دیگری از جانب تو است) و مر تو را است حمد و سپاس (زیرا هر نعمتی را تو عطا فرموده‌ای، و حمد دیگری از جهت آنست که نعمت تو بر دست او روان گشته) خدائی جز تو نیست، خدای بردبار (در کیفر گناهکاران شتاب نمیکنی) بزرگوار مهربان بسیار نعمت دهنده دارای عظمت و احسان، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین، از تو درخواست مینمایم که هر گاه میان بندگان خود که با ایمانند خیر و نیکی یا تندرستی یا برکت و فراوانی یا هدایت و رستگاری یا عمل بطاعت و فرمانبری از خویش، یا خیری را که بسبب آن بر ایشان منت مینهی و آنان را بسویت راهنمائی میکنی، یا برای آنها در درگاهت درجه و پایه‌ای بلند میگردانی، یا بوسیله آن نیکی‌ای از نیکی دنیا و آخرت باینان عطاء

مینمائی، قسمت کنی نصیب و بهره مرا از آن بسیار گردان (جمله آن توفر حظی و نصیبی منه در بیشتر نسخ خطی و چاپی نیست، بنا بر این از قرینه کلام و آنچه بیان دلالت بر آن دارد دانسته میشود که مضمون این جمله یا مانند آن در نظر گرفته شده است)-] [3 بار خدایا مر تو را است پادشاهی و سپاس، پرستش شده‌ای جز تو نیست، از تو درخواست میکنم که درود فرستی بر محمد بنده و فرستاده و دوست و اختیار شده و برگزیده خود از آفریدگانت، و بر آل محمد که نیکوکاران و (از گناهان) پاکان و (بپیروانشان) سود رسانند، درودی که کسی جز تو بر شمردن آن توانائی نداشته باشد، و اینکه ما را در دعا و درخواست شایسته هر که از بندگان با ایمانت که در این روز تو را میخواند شریك گردانی، ای پروردگار جهانیان، و ما و ایشان را بیامرزی، زیرا تو بر هر چیز توانائی (قدیر کسی است که هر چه را بخواهد انجام میدهد، از این رو جز خدایتعالی بآن وصف نمیشود)-] [4 بار خدایا حاجت و خواسته‌ام را بسوی تو قصد نمودم (برای روا ساختن آن کسی را جز تو در نظر نگرفتم) و درویشی و نیازمندی و بی چیزیم را بدرگاهت فرود آوردم (چون میدانم جز تو مرا بی نیاز نمیگرداند) در حالیکه اطمینانم بآمرزش و رحمت و مهربانیت از عمل و کردارم بیشتر است، و همانا آمرزش و رحمتت از گناهانم فراختر است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و روا کردن هر حاجت و درخواستی را که دارم بسبب توانائیت بر آن، و آسان بودنش بر تو، و نیازمندی من بتو، و بی نیازی تو از من، تو خود متکفل شو و بپذیر، زیرا من هرگز جز از جانب تو بخیر و نیکی نرسیده‌ام و هرگز جز تو کسی بدی را از من بر نگردانده است، و برای کار (رهائی از عذاب و کیفر در) آخرت و (اصلاح گرفتاریهای در) دنیایم جز تو را امیدوار نیستم-] [5 بار خدایا هر کس برای رفتن بسوی مخلوق و آفریده‌ای بامید صله و عطاها و درخواست احسان و بخشش او مهیا و آماده شود، پس ای مولی و آقای من مهیا و آماده شدن من امروز بامید عفو و گذشت و درخواست احسان و بخششت بسوی تو است-] [6 بار خدایا پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و امروز آن امید مرا نومید مگردان، ای کسیکه (درخواست) درخواست کننده‌ای او را برنج

نمیاندازد، و عطا و بخششی (توانگری) او را کم نمیگرداند، زیرا من از روی اعتماد داشتنم بکردار شایسته‌ای که آن را پیش فرستاده (بجا آورده) و بشفاعت و میانجیگری مخلوق و آفریده‌ای که باو امید داشته باشم جز شفاعت محمد و اهل بیت و خویشان او (حضرت زهراء و ائمه معصومین علیهم السلام) که بر او و ایشان درود تو باد، بسوی تو نیامده‌ام-] [7 بدرگاه تو آمده‌ام در حالیکه بگناه و بد کردن بخود اعتراف دارم، بدرگاه تو آمده‌ام در حالیکه آن عفو و گذشت بزرگت را امیدوارم که بسبب آن از گناهکاران گذشتی، سپس طول و بسیاری ایستادگیشان بر گناه بزرگ تو را باز نداشته از اینکه بر ایشان رحمت و آمرزش احسان نمائی-] [8 پس ای کسیکه رحمت و مهربانی او فراخ (مؤمن و کافر را فرا گیرد) و عفو و گذشتش بزرگ (بسیار) است، ای عظیم و بزرگوار (که عقول بکنه ذات مقدسه‌ات پی نبرد) ای کریم و بخشنده، بر محمد و آل محمد درود فرست، و برحمت و مهربانیت بر من احسان فرما، و بفضل و نیکیت بر من مهربان باش، و با آمرزشت بر من گشایش ده-] [9 بار خدایا این مقام و جایگاه (نماز عید و جمعه بجا آوردن، یا مقام امامت و خلافت) برای خلفاء و جانشینان و برگزیدگان تو (ائمه معصومین علیهم السلام) است، و (دشمنان دین مانند خلفای بنی امیه) جاهای امناء و درستکاران تو را در درجه و پایه بلندی که ایشان را بآن اختصاص و برتری داده‌ای ربودند (غصب کرده بظلم و ستم گرفتند، عبد الله بن دینار گفته: حضرت باقر- علیه السلام- فرمود: ای عبد الله در هر عید اضحی و فطر که مخصوص مسلمانان است حزن و اندوه آل محمد تازه میگردد، گفتم چرا چنین است؟ فرمود: برای آنکه می‌بینند حق خودشان «امامت و خلافت» در دست دیگران است) و (برای امتحان و آزمایش بندگانت) توئی تقدیر کننده برای آن (غصب خلافت) در حالیکه امر و فرمان تو مغلوب نمیشود (هر طور مقدر کرده‌ای واقع میگردد) و از تدبیر (قضاء و قدر) قطعی تو هر گونه خواسته باشی و هر زمان و روزگار که بخواهی در نمیگذرد، و توئی تقدیر کننده برای آنچه (حکمت اقتضاء میکند و) تو بآن (از دیگران) داناتری، در آفرینش (یا در قضاء و قدر) و اراده و خواسته‌ات متهم نیستی (گمان ظلم و ستم و نادانی بتو برده نمیشود، نا

گفته نماند: از جمله و أنت المقدر لذلك معنى جبر توهم نشود، زيرا مقصود از اينكه خداى تعالى آن را تقدير نموده آنست كه صفات و حدود و كيفيات و زمان و مكان و سائر خصوصيات آن را بطوريكه كم و زياد نميشود تعيين فرموده، نه آنكه آن را ايجاد نموده تا غصب خلافت بر اثر تقدير او بوده و غصب كنندگان ناچار گشته نتوانند خلاف آن رفتار نمايند، و شايد گفتار امام عليه السلام و پس از آن: غير متهم على خلقك و لا لارادتك اشاره باين نكته باشد، و الله اعلم) تا اينكه (بر اثر غصب خلافت) بر گزيدگان و جانشينان تو شكست خوردند و حقشان از دست رفت، حكم تو را تبديل گشته، و كتاب تو (قرآن مجيد) را دور افتاده، و واجبات را از مقاصد راههاى روشن تو تغيير يافته، و روشهاى پيغمبرت (مستحبات) را ترك شده ميبينند-] [10 بار خدايا دشمنان ايشان را از پيشينيان و آيندگان (تا روز قيامت) و هر كه را باعمال و كردار آنان راضى و خوشنود ميشود و دوستان و پيروانشان را لعنت كن (از رحمت خود نوميد و عذاب و كيفر فرما. تصريح امام عليه السلام بلعن بر دشمنان جانشينان و برگزيدگان خدا بر مشروعيت و روا بودن لعن بر كسيكه سزاوار است، بلكه بر مستحب بودن آن و اينكه لعن كننده را ثواب و پاداش است دلالت دارد، زيرا اگر چنين نبود آن حضرت در اين روز شريف تصريح بآن نمينمود و آن را از جمله دعائى كه بوسيله آن بدرگاه خداوند سبحان تقرب ميجويند قرار نميداد، و طريقه و روش ما اماميه «شيعه دوازده امامى» هم همين است، و گاهى لعن بكسيكه مستحق و سزاوار آن است عبادت است مانند صلوات و درود بر كسى كه شايسته آن ميباشد، و چنانكه درود گوينده را ثواب و پاداش است همچنين لعن كننده را پاداش ميدهند هر گاه لعن او بجا و براى بدست آوردن خوشنودى خدا باشد، و لعن كردن خداى عز و جل در آيات بسيار از قرآن كريم و امر بلعن در بعض آنها بر اين مطلب دلالت دارد «س 2 ى 159»:
أُولئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ «ى 161»: أُولئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ يعنى آنها را «كه حق پنهان گردانند» خدا و لعنت كنندگان «از انس و جن و فرشتگان» لعنت ميكنند «خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته و بكيفر رساند و ديگران ايشان را نفرين

مینمایند» آنانند که لعنت خدا و همه فرشتگان و مردم بر ایشان است. پس مراد از وَ يَلْعَنُهُمُ اللاَّعِنُونَ و از وَ الْمَلائِكَةِ وَ النَّاسِ اجْمَعينَ امر بفرشتگان و مردم است بلعن کسانیکه خدا آنها را لعن فرموده، و از پیغمبر- صلی الله علیه و آله- روایت شده که گروهی از معصیت کاران را لعن نموده مانند فرمایش آن حضرت: خدا لعنت کند کسی را که پدر و مادر خود را لعن مینماید، و فرمایش آن بزرگوار: خدا لعنت کند ربا خوار را. و گاهی لعن واجب و جزء ایمان است هر گاه قصد لعن کننده بیزاری جستن باشد، زیرا خداوند سبحان چنانکه دوست داشتن دوستانش را واجب کرده دشمن داشتن دشمنانش و بیزاری از آنان را هم واجب نموده، در قرآن مجید «س 58 ی 22» فرموده: لا تَجِدُ قَوْماً يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كانُوا آباءَهُمْ أَوْ أَبْناءَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ يعنى «ای پیغمبر» مردمی را که بخدا و روز قیامت ایمان میآورند «چنین» نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند و اگر چه آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان ایشان باشند. و گفتهاند: هر گفتار و کرداریکه موجب عقاب و کیفر گردد جائز است گوینده و بجا آورنده را لعن نمود، زیرا لعن از خدای تعالی همان دور ساختن از رحمت و بکیفر رساندن است)-] [11 بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، زیرا تو (در همه افعال و کردارت) ستوده شده بزرگواری (دارای احسان و نیکی بسیاری، درودی) مانند رحمتها و نیکیها و درودهای تو ببرگزیدگانت:

إبراهیم و آل إبراهیم، و بگشایش و دور شدن غم و اندوه و آسایش و یاری کردن و تسلط دادن و کمك کردن ایشان تعجیل و شتاب فرما-] [12 بار خدایا و مرا از اهل توحید (کسانیکه بیکتائی و بی شریکی تو اقرار دارند) و از اهل ایمان و گروندگان بخود و از اهل تصدیق و اعتراف کنندگان بپیغمبرت و پیشوایانیکه طاعت و پیروی از ایشان را واجب کردهای قرار ده، از کسانیکه آن توحید و ایمان و تصدیق بوسیله ایشان و بدستهای آنها واقع میگردد (از آنانکه مردم را براه حق راهنمایانند) دعایم را روا کن، ای پروردگار هر صنفی از اصناف آفریده شدگان-] [13 بار خدایا خشم (اراده انتقام) تو را جز بردباریت (شتاب نکردنت در کیفر) و سختی

خشمت را جز عفو و گذشتت باز نمیگرداند، و جز رحمت و مهربانیت از عذابت زنهار نمیدهد، و مرا از (عقاب) تو جز تضرع و زاری بدرگاهت و در برابرت نمیرهاند، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما (پیروان محمد و آل محمد علیهم السلام) را- ای خدای من- از جانب خود بوسیله قدرت و توانائی که با آن مردگان بندگانت را زنده میگردانی، و شهرهای مرده (بی گیاه و میوه) را زندگی میبخشی (انواع خوراك و پوشاك در آنها میرویانی) گشایشی ببخش (غم و اندوهمان را دور ساز)-] [14 و مرا- ای خدای من- اندوهناك نمیران (یا عذاب مکن) تا دعایم را مستجاب فرمائی (درخواست آمرزشم را بپذیری) و از اجابت و روا کردن دعایم آگاهم سازی، و مزه عافیت و تندرستی را تا پایان زندگیم بمن بچشان، و دشمنم را بر من شاد مگردان، و او را بر من مسلط و توانا منما-] [15 ای خدای من اگر تو مرا بلند مرتبه گردانی پس کیست آنکه مرا پست نماید، و اگر مرا پست کنی پس کیست آنکه بلندم گرداند، و اگر مرا گرامی داری پس کیست آنکه خوارم کند، و اگر مرا خوار کنی پس کیست آنکه گرامیم دارد، و اگر مرا عذاب و شکنجه نمائی پس کیست آنکه بر من رحم و مهربانی داشته باشد، و اگر مرا هلاك و تباه سازی پس کیست آنکه در باره بندهات برای تو مانع و جلوگیر شود، یا تو را از کار او (از روی منازعه و اعتراض) پرسنش نماید؟؟ و من دانستهام که در حکم و فرمانت ستمی و در انتقام و بکیفر رساندنت شتابی نیست، و جز این نیست که کسی شتاب میکند که از فوت شدن و وقت کار گذشتن بترسد، وضعیت و ناتوان بستم نیازمند است، و تو- ای خدای من- برتری از اینکه ستم یا شتاب کنی برتری بزرگ (بی پایان)-] [16 بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا هدف بلاء و گرفتاری و نشانه انتقام و بکیفر رساندنت مگردان (از هر جهت و هر سو قصد انتقام من مکن) و مرا مهلت ده، و اندوهم را ببر، و از لغزشم در گذر، و ببلائی در پی بلائی گرفتارم مساز، زیرا ناتوانی و بیچارگی و تضرع و زاریم را بسوی خود میبینی-] [17 بار خدایا امروز از خشمت بتو پناه میبرم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا پناه ده-] [18 و امروز از خشم سخت تو از تو زنهار میجویم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا

زنهار ده-] [19 و ایمنی از عذاب و کیفرت را از تو درخواست مینمایم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا ایمن گردان-] [20 و از تو هدایت و راهنمائی میطلبم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا (براه حق) راهنمائی (ثابت و پا برجا) نما-] [21 و از تو (بر دشمن) یاری میخواهم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا یاری فرما-] [22 و از تو رحمت و مهربانی درخواست میکنم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و بر من رحم کن-] [23 و از تو بی نیازی میطلبم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا بی نیاز گردان-] [24 و از تو روزی (عطا و بخشش: خوردنی و غیر آن) میخواهم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا روزی ده-] [25 و از تو کمك طلب میکنم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا (در هر کاری) کمك نما-] [26 و از گناهان گذشته‌ام آمرزش میطلبم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا بیامرز-] [27 و از تو میخواهم که مرا (از معصیت و نا فرمانی) باز داری، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا بازدار، زیرا اگر تو بخواهی (توفیقم دهی و زنده‌ام داری) من هرگز بچیزی که آن را از من نا پسندیده‌ای بر نمیگردم (پس از این گناهی بجا نمیآورم)-] [28 ای پروردگار من ای پروردگار من، ای بسیار مهربان ای بسیار بخشنده، ای دارای عظمت و احسان (پیغمبر اکرم- صلی الله علیه و آله- فرموده: الظوا بیا ذَا الْجَلالِ وَ ٱلاكْرامِ یعنی بگفتن یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ مداومت داشته آن را همیشه و بسیار بگوئید، و روایت شده: آن حضرت بمردی گذشت که نماز میخواند و میگفت: یا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، فرمود: دعای تو مستجاب و پذیرفته شد) بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه از تو طلبیده و خواسته‌ام و در آن بدرگاه تو تضرع و زاری نمودم برایم مستجاب فرما، و آن را بخواه و مقدر و حکم کن و بگذران، و در آنچه از خواسته‌هایم که حکم میکنی برای من خیر ده، و در آن برکت و نیکیت را در باره‌ام ثابت و پا بر جا گردان، و بوسیله آن بر من احسان نما، و مرا بآنچه از آن عطا میکنی نیکبخت ساز، و از فضل و بخشش خود و فراخی آنچه (خیرات و نیکیها که) نزد تو است بمن بیافزا، زیرا تو توانگر بخشنده‌ای، و آن را بخیر و نیکی آخرت (بهشت) و نعمت فراوان آن سرا

پیوسته فرما، ای مهربانترین مهربانان.-] سپس دعا کن بآنچه برایت آشکار گردد (پیشآید یعنی هر چه میخواهی از خدای تعالی بخواه) و بر محمد و آل محمد او هزار بار درود فرست (بگو: اللهم صل علی محمد و آل محمد) که امام علیه السلام اینچنین میکرده (ناگفته نماند: هر گاه ذکر و یاد خدا مانند یا ارحم الراحمین یا صلوات و درود بر محمد و آل او بعدد و شماره مخصوصی تعیین شده باشد سزاوار نیست خواننده بیشتر یا کمتر از آن را بخواند، زیرا هویدا است که ثواب و پاداش برای عدد معین است، و بیشتر یا کمتر آن را شامل نمیشود، و شایسته است عدد مخصوص را بی آنکه میان آن سخنی گوید بپایان رساند، و چنانکه سخنی گفت بهتر آنست که آن را اعاده نموده دو باره از سر گیرد).